



جنگ و تأثیرهایی که روی انسان‌های درگیر جنگ و پیرامونی خود می‌گذارد از مهمترین ژانرهای سینمایی و یکی از گسترده‌ترین و متنوع‌ترین موضوع و مضمون‌هایی است که از بدو پیدایش هنر و صنعت سینما فیلمسازان با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت سیاسی فیلم‌های مختلف در قالب‌های گوناگون به آن پرداخته و ساخته‌اند. اما برخی از همین جنگ بسیار فیلمسازان، جنگ و تبعات آن را همواره به عنوان پس‌زمینه‌ها، دغدغه‌ها و مضمون‌های اصلی خود می‌انند و فیلمسازی بر اساس نوشتن فیلمنامه جنگی و ساختن فیلم‌های جنگی برایشان خیلی جذاب‌تر و لذت‌بخش‌تر از دیگر ژانرهای سینمایی است. یا توجه به این رویکرد سینمایی آنها به طور حرفه‌ای‌تر و عمیق‌تر به پدیده جنگ و علت و معلوم‌های آن پرداخته‌اند.

آنچه مسلم است به لحاظ مسائل فنی و تصویری پس‌زمینه‌های فضا و موقعیت‌های جنگی است که بر غنای موقعیتی و بصری این گونه فیلم‌ها می‌افزاید به عنوان فضاها و پس‌زمینه‌های جنگی که در سال‌های گذشته ایران و عراق و زمانی بین نیروهای داخل عراق و زمانی بین آمریکا و عراق و یا جنگ‌های دهه‌های اخیر در افغانستان میان طرف‌های درگیر داخلی و از سوی دیگر نیروهای کشورهای مهاجم چون روسیه، آمریکا و متحدان آن به پنهان جنگ با ترویرسم در سال‌های اخیر یکی از مستعدترین و جذاب‌ترین سوژه‌ها و موضوع‌ها برای فیلمسازی در زمینه این ژانر بوده‌اند و فیلمسازان بسیاری در حد و اندازه‌های مختلف فیلم‌هایی ارائه کرده‌اند که دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این جنگ‌ها از خود نشان داده‌اند. در اغلب زبان‌های زنده دنیا و فرهنگ‌های گوناگون ناشی از آن کمتر کلمات متضادی چون جنگ و صلح وجود دارند که چود یکی، رابطه مستقیم با وقوع دیگری داشته باشد. اگر جنگی در نگیرد، ترک مخاصمه و آتش‌بس هم در کار نخواهد بود تا پیمان‌های صلح بسته شوند و اگر صلحی در میان نباشد محصول جانبی آن جنگ نیز به وجود نخواهد آمد. جنگ و صلح قدمتی هم اندازه عمر بشر دارد و از نظر صاحب‌نظران علوم اجتماعی تا هم امروز صورت‌های گوناگونی هم به خود گرفته است.

این ضرب‌المثل رومی که می‌گوید «اگر صلح می‌خواهی، برای جنگ مسلح شو» معنایی به مراتب عمیق‌تر از آنچه به نظر می‌رسد دارد. این ضرب‌المثل نه تنها بیان‌کننده این واقعیت است که تمام چیزهای دنیا فانی است بلکه نشان‌دهنده این است که صلح موهب کده جنگ است. در طول عمر بشر هر چه جنگ‌افزارها مجهزتر شد جنگ‌ها خونبارتر گردید و لزوم درک مخاصمه و رسیدن به آرامش اهمیت بیشتری یافت. اگر قرن‌های گذشته آهنگ پیشرفت تکنولوژی بشری در راه جنگ‌افروزی کند بود و جنگ‌ها با فشاری زمانی بیشتری رخ می‌دادند دوران صلح نیز بیشتر طول می‌کشید اما قرن بیستم نقطه پایان این آهنگ کند بود. پیشرفت فنی و علمی تکان‌دهنده، امکان افزایش رقابت‌های فراسرزمینی و غیرملی را به وجود آورد. جابجایی و مهاجرت شمار زیادی از انسان‌ها از قاره‌ای به قاره دیگر از طریق هواپیما و کشتی‌های اقیانوس‌پیما و راه‌آهن میسر شد. ارتباط یک رهبر سیاسی با میلیون‌ها تن از طریق رادیو و سپس تلویزیون، امر سیاست را

سخت تحت تأثیر قرار داد و سرانجام بشر از گلوله‌های توپ که می‌توانست چندین نفر را به یک باره بکشد به موشک‌های هسته‌ای رسید که توانایی آن را دارند تا میلیون‌ها تن را نابود کنند. ظاهرا برای انسان قرن بیستمی جنگ جهانی اول و دوم با میلیون‌ها کشته و زخمی، باید سرمشق عبرت‌آموزی برای پرهیز از جنگ و استفاده از نیروی مسلح سازمان یافته می‌شد اما آهنگ سریع پیشرفت‌های فنی و ظهور ایدئولوژی‌های جدید امکانی را فراهم نکرد.

از سال ۱۹۱۴ تا پایان قرن بیستم تعیین شکل آینده جهان به عهده ایزار ژور افتاد. کشورهای بزرگ برای به دست آوردن منافع فراسرزمینی خود دست به تهاجم زدند، کشورهای مورد حمله تلفات جانی سنگینی را متحمل شدند اما عاقبت آن چه جنگ‌ها را پایان داد، تنها شکست ارتش‌ها در صحنه نبرد نبود، بلکه فروپاشی ساختار سیاسی و اقتصادی شکست خوردگان و ضعف و درهم شکسته شدن جامعه‌های پیروز بر اثر بسط صلح‌طلبی بود. در آغاز تنها برخی از گروه‌های اقلیت مسیحی مانند «کوپلرها» و برادران پلیموت به صلح‌طلبی اعتقاد داشتند اما تلاش‌های گسترده‌ای که در طول قرن برای نفوذ در سیاست ملی به منظور کناره‌گیری از جنگ انجام شد این حرکت را قدرت بخشید. در ابتدا بسیاری از افراد به حکم و جدان از انجام خدمت وظیفه سر باز زدند. دولت‌ها در برخورد با این خودداری افراد، واکنش‌های گوناگونی نشان دادند و تنها در تعداد انگشت‌شماری از کشورها حق اعتراض اخلاقی به رسمیت شناخته شد.

واژه صلح در طول صد سال گذشته پیشوندها و پسوندهای مختلفی به خود گرفت، از پایان مخاصمه مشخص تا فقدان مخاصمه، از دوستی و مودت فعال تا آرامش در نظام و راه همزیستی مسالمت‌آمیز که در اکثر موارد دال بر خصومت پنهان بود. آشفتگی بین معنی منجر و عام صلح، منجر به خلق عبارت‌های متناقضی چون «صلح برای پایان بخشیدن به صلح» و «جنگ برای خاتمه دادن به جنگ» شد. با تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل، هدف اصلی این نهادها برقراری صلح در قرن بیستم عنوان شد اما تعبیرهای خلق‌الساعه‌ای چون «جنگ عادلانه» و «صلح عادلانه» نیز پا به میدان گذاشتند تا ماده ۳۹ منشور سازمان ملل درباره نقض صلح هم محلی از اعراب داشته باشد.

سینما که از بدو پیدایش خود به جنگ (به دلیل تحرک ذاتی‌اش به عنوان واقع‌های با قابلیت نمایشی فراوان) روی خوش نشان داده بود، خیلی زود متوجه صلح شد. چون تضاد میان این دو عامل بر شدت تأثیرگذاری نمایشی هر دو طرف می‌افزود. جنگ بوثرها در آستانه قرن بیستم، نخستین جنگ مهمی بود که دربرین سینماتوگراف هم در آن حضور داشت تا قهر و خشونت سازمان‌یافته استعمار انگلیس را علیه دهقانان صلح‌جوی هلندی سلاک آفریقا (که خواستار استقلال بودند) ثبت کند. فیلم‌های داستانی عرضه شده در سال‌های اولیه قرن بیستم و اغلب درباره شجاعت و قهرمانی سربازان بود و مین‌پرستی درون‌مایه اصلی چنین آثارای بود. تنها فیلم صلح‌طلبانه تا آن زمان «به نام ملکه» ۱۸۶۸ فیلم کوتا رابرت پل بود که داستان سربازی فراری از جبهه را روایت می‌کرد. پس از خاتمه جنگ بوثرها فیلم‌هایی با برداشت‌های احساسی از موضوع جنگ با نام‌های «صلح با شرافت» ۱۹۰۲ و «بازگشت سرباز» ۱۹۰۳ ساخته شدند. به زودی کسانی در میان فرهیختگان پیدا شدند که

جنگ سازان و صلح سازان از دیدگاه سینما



معتقد بودند جنگ نه تنها غیر اخلاقی است بلکه نابودکننده تمدن است و جنگ را باید از طریق اقدامات نهادهای مربوط و مقتضی منسوخ کرد.

واکنش فیلمسازان در طرفداری از چنین دیدگاهی تصویر کردن میزان خرابی‌ها و فجایع جنگ‌ها بود تا ارزش صلح و آرامش را به عامه مردم که شور مین‌پرستی و شجاعت مبتنی بر مردی‌گری آنها را وادار به جنگ کرد یادآور شوند. «تهدید انگلستان» ۱۹۱۴ نمایش‌گر هجوم دشمنی خیالی به انگلستان و در واقع پیش‌بینی کننده سایه جنگ جهانی اول بر اروپا بود. خوش‌بینی مفرط فیلمسازان اروپایی در تصویر کردن صدمات و زیان‌های جنگ‌های پیشین برای فرار از جنگی احتمال مانع از شعله‌ور شدن آتش تعارض‌ها و جنگ میان امپراتورها نشد.

با ترویر و ولیعهد امپراتوری اتریش جنگ بزرگ اول جهانی آغاز شد و به مدت چندین سال آرامش، آسایش، صلح و امنیت اجتماعی از جامعه جهانی رخت بر بست. در این مدت جنگ، فیلم‌هایی مانند «تولد یک ملت» ۱۹۱۵ که ریشه‌های فساد در قدرت را به مثابه تهدیدکننده صلح و رفاه تصویر می‌کردند، اندک و در مقابل فیلم‌هایی چون «رژه بزرگ» ۱۹۲۵ که جنگ را امری باشکوه و شوانگیز جلوه می‌دادند فراوان بود.

پس از پایان جنگ جهانی اول ملت‌های درگیر در ساخته‌های سینمایی خود علت‌های شروع جنگ، صدمه‌های آن و حتی توجیه شکست و پیروزی را بررسی و در اغلب موارد آثار ضد جنگ و مؤثری هم عرضه کردند. این فیلم‌ها برای پرهیز از درگیری‌های آینده، تلخی‌ها و بی‌رحمی‌ها و خشونت بی‌بهوده جنگ در میان سربازان و مردم را نشان می‌دادند اما هیچ کشوری که در حال رونق یا در اندیشه بازسازی بود تن به صلح‌طلبی به عنوان سیاستی رسمی نداد. مهمترین و باارزش‌ترین فیلم ضد جنگ در سال ۱۹۳۰ توسط «لوئیس مالینسکی» ساخته شد. «در جبهه غرب خیری نیست» زندگی انسان‌ها در درگیر در هر دو سوی جبهه فرانسه و آلمان را در ۱۹۱۶ بازوگی می‌کرد اما نازی‌ها که در راه رسیدن به قدرت گام برمی‌داشتند و صلح را فرصتی برای

می‌پنداشتند. یک سال بعد ژان رنوار دیگر کارگردان فرانسوی با ساختن «توهم بزرگ» نسبت به حوادث پیرامونش واکنش نشان داد. رنوار هنگام معرفی فیلمش در ۱۹۳۸: «از رادیو شنیدم که هیتلر فریاد می‌زند و خواستار تجزه چکسلواکی است. ما در آستانه توهم بزرگ دیگری قرار داریم. این فیلم را ساختیم چون صلح‌طلبیم و در نظر من هر فرانسوی، آلمانی یا آمریکایی اصیل صلح‌طلب واقعی است. بدبین‌ها خواهند گفت که حرف‌های من در این زمان ساده‌لوحانه است خب چرا نباشد؟»

حمله برق‌آسای هیتلر در اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان و سپس سراسر اروپا پاسخ دندان‌شکنی با امثال رنوار بود که جنگ خاتمان‌برانناز را توهینی بزرگ می‌پنداشتند. در پاریس و لندن وزیران هنوز امید داشتند که صلحی را که دیگر چیزی از آن باقی نمانده بود نجات دهند اما تسخیر دانمارک، نروژ، هلند و بلژیک و سرانجام فرانسه توسط ارتش آلمان خط بطلانی بر گفته چمبر لین نخست وزیر انگلیس کشید که عبارت عجولانه صلح در دوران ما را پس از گفت‌وگوهای مونیخ بر زبان رانده بود. ساختن فیلم‌های جنگی رونق گرفت و حتی در آمریکا که خارج از کانون بحران قرار داشت و رئیس جمهوری صلح‌طلب چون روزولت در رأس دولت بود. ساخته شدن فیلم «گروهبان یورک» هاوارد هاگس ۱۹۴۱ چندان شگفت‌آور به نظر نیامد. گروهبان یورک داستان کشاورزی بود که به هنگام ورود آمریکا به جنگ تقاضای معافیت می‌کند چون جنگ را کار نادرستی می‌پندارد اما تقاضایش رد می‌شود و اجباراً لباس نظامی بر تن می‌کند. فیلم مسیر تجدیدنظر یورک درباره ایده‌های صلح‌طلبانه و نتیجه آن قهرمانی در میدان جنگ و اهدای زمینی حاصلخیز در پایان فیلم از طرف دولت بود.

تنها حرکت‌های صلح‌طلبانه سینمایی این دوران مستندهای «همفری جینگز» بود که بیشتر به شاعرانگی و دراماتیک بودن تصاویر فیلم اهمیت می‌داد تا آموزش و تهیج‌کنندگی آن و به همین دلیل نشان‌دهنده تمایل انسانی افراد به درگیری در یک حرکت اجتماعی بود که صراحتاً موضعی ضد جنگ داشت. اما وقتی دولت آمریکا در ششم اوت ۱۹۴۵ برای پایان بخشیدن به جنگ اولین بمب اتمی را روی شهر هیروشیما انداخت و در یک چشم بر هم زدن هشتاد هزار نفر جان خود را از دست دادند کشته شدن ده میلیون انسان در اروپای زیر اشغال آلمان در طول چهار سال چندان هم تکان‌دهنده نبود. انفجار این بمب جهان را به دنیای دیگری تبدیل کرد و اتحاد میان منتقدین بر باد رفت. دو ابرقدرت تازه شکل گرفته که یکی اسرار بمب مخوفش را از دیگری پنهان می‌کرد؛ بلافاصله با پایان جنگ دوم و شکست دول محور، جنگ سرد پنهانی را با یکدیگر آغاز کردند. جهان دیگر در آستانه قتل عامی هسته‌ای قرار داشت و صلح هیچگاه شکننده‌تر از این زمان به نظر نمی‌رسید. جنگ سرد اصطلاحی بسیار با تفکر و هیستری حاکم بر این دوران در فیلم‌ها کاندیدای مسجوری و هفت روز در ماه به شکل‌ی گزنده تصویر شد تا بی‌ثباتی اوضاع سیاسی را یادآور شود و فیلم «دکتر استرنج لائو» کمدی کابوس‌گونه ضد جنگ استلنی کوبریک پاسداران تمدن و قدرت هسته‌ای را ناتوان از مهار ماشین جنگی دست‌ساخته خودشان تصویر کرد. می‌بوده نبود که کوبیتسکی برنامه جنگ هسته‌ای میان دو ابرقدرت را «سلاح‌های روز قیامت» نامید. همین عامل باعث هراس قدرتمندان شد و موجب

۱۰ گریذ تا آمریکا در جنگ ویتنام از به کار بردن بمب اتمی پرهیز کند.

در فاصله پنجاه سال جنگ سرد میان دو ابرقدرت، فیلمسازان هر دو طرف بسیار کوشیدند تا راهی برای آشتی سیاهی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و درک یکدیگر در فیلم‌هاشان ارائه دهند. جان بری یکی از قربانیان مک کارتیسیم در فیلم «اسیر زمین» با کنار هم قرار دادن یک روس و یک آمریکایی در نقطه‌ای بی‌طرف کوشید تا به واسطه طی طریق و شخصیت برای رسیدن به درکی انسانی بگوید که طرفین یا با هم زنده می‌مانند یا با هم خواهند مرد. «اندری تارکوفسکی هم که هرگز آنچنان که شایسته‌اش بود در کشورش قدر ندید پس از تبعیدی خودخواسته در آخرین فیلمش «پنار» به مسئولیت افراد در برابر سرنوشت دنیا به هنگام وقوع جنگی اتمی سخن گفت، داستانی از مکاشفه پروفیسور سالخورده در شبی هولناک که برای حفظ دنیا می‌دهد می‌کند که هر چه را دوست دارد همچون ابراهیم قربانی کند. سرانجام با فرا رسیدن دهه ۱۹۸۰ و به قدرت رسیدن ریکاردو خلع سلاح در مرکز سیاست‌های تازه کرملین (مسکو) قرار گرفت. حرکت‌های صلح‌طلبانه شخصی و دینی که در دهه ۱۹۷۰ به شکلی عامیانه همچون هیپی‌گری، حرکت‌های شرقی مثل بودایسم، کنفوسیوس و هندویی که همدردی و اطاعت را ستایش می‌کردند و اصرار داشتند شکل گرفته بود. در فاصله سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ انسجام و هدفمندی به خود گرفت.

بزرگترین قدم در این راه توسط سینماگران اروپایی برداشته شد. این حرکت در جشنواره کن ۱۹۹۲ با بیانیه اروپایی ۹۰ سینمای بدون مرز آغاز شد تا سرانجام هنر بتواند نقش فعال و یاری‌دهنده خود را در با ثبات کردن جهان و صلح‌طلبی صلح جهان شمول ایفا کند. اتفاقی که در عصر رسانه‌ای شدن قدرت گریزنایدپر می‌نمود. بی‌تردید مارشال مک لوهان نیز هنگام طرح تئوری دهکده جهانی چنین چشم‌اندازی را در نظر داشت و طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز در همین راستا مطرح شد برای ایجاد آرامش و مناسبات دوستانه و زودون هر گونه کنذوری و ستیز هماهنگی و آسودگی ایجاد کند اما فاجعه یازدهم سپتامبر آمریکا عاملی شد تا آتش دشمنی و جنگ از هر سو زبانه کشد و ابرقدرت‌ها و کشورهای فرامنطقه‌ای به بهانه جنگ با ترویرسم جهت پوشش دادن به اهداف کوتاه‌مدت و درآمدزود خود به یکی از اصلی‌ترین نقاط و مناطق مشعر جنگ و ستیز یعنی خاورمیانه یورش آوردند و به درگیری‌های مرزی، قومی و مذهبی دامن بزینند در نتیجه این جنگ‌ها و درگیری‌های خود زمینه بسیار گسترده دیگری برای فیلمسازان منطقه‌ای و جهانی فراهم کرد تا بر اساس رخدادها و وقایع کوچک و بزرگ و با ترکیب کردن قصه‌های خیال‌پردازانه خود موضوع و مضمون‌هایی را به فیلم تبدیل کنند. با بررسی اجمالی آثاری از این گونه متوجه می‌شویم که غالباً این فیلم‌ها زبانی مشترک و ایده‌ای مشابه که همان تفکر جنگ‌ستیز و ضد جنگ را دنبال کرده‌اند و پیام کلی آنها به مخاطبان خود در یک جمله خلاصه می‌شود «دوران جنگ دیگر تمام شده است و دیگر زندگی در صلح پست‌تر از جنگ در میدان جنگ نیست پس دائم بر طبق مکتب نکوبیوم» این رویکرد سینماگران عصر حاضر نشان داده‌اند که سینما وظیفه خود را در صلح‌سازی در جهانی بی‌ثبات اقتناح انجام داده و خواهند داد گر چه به اهداف خود نرسند.

ثبتي و دادگستري

<p>بدينوسيله به مهدي ناصر بيلونى فرزند خداخواست كه به موجب دادنامه شماره ۹۴/۷۴۵ در پرونده كلاسه ۹۴/۲۸۸ به خواسته مطالبه وجه چك در حق خواهان جواد دهقان محكوم گردیده است ابلاغ می‌شود چنانچه نسبت به حكم صادره اعتراض دارد ظرف بيست روز از تاريخ انتشار اين آگهی درخواست خود را به اين مرجع واقع در ميدان غدیر مجتمع شوراهای حل اختلاف شعبه دوم فسا تسليم نمايد در غير اينصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.</p> <p>۶۹۳/م الف</p>	<p>آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی</p>
<p>مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی داراب- نوراله اقبال</p>	

<p>آگهی اخطار به دفتر خانه رسمی ثبت از دواج و طلاق جهت اجرای حکم دادگاه</p> <p>در اجرای دادنامه ۷۰۰ کلاسه ۹۳/۱۳۶۹ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه خانواده شیراز به پری اسرار فرزند سلیمان ابلاغ می‌شود که ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی جهت ثبت و اجرای صیغه طلاق و مطلقه شدن به طلاق رجعی نوبت اول توسط حمید اسماعیل‌زاده جبرمی فرزند اسدالله و وکالت امیررضا رهایی فرزند همایون به نشانی شیراز خیابان ملاصدرا خیابان شهید جمالی ساختمان پارس طبقه دوم واحد ۱۵ دفتر طلاق ۷۷ شیراز مراجعه فرمایید. در صورت عدم مراجعه نسبت به ثبت طلاق غیابی اقدام خواهد شد.</p> <p>۱۹۲۰۸/م الف</p>	<p>آگهی اخطار به دفتر خانه رسمی ثبت از دواج و طلاق جهت اجرای حکم دادگاه</p> <p>در اجرای دادنامه ۷۰۰ کلاسه ۹۳/۱۳۶۹ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه خانواده شیراز به الناز زارع فرزند سرگی ابلاغ می‌شود که ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی جهت ثبت و اجرای صیغه طلاق محمدصادق زارع فرزند عزیز به نشانی شیراز خیابان ملاصدرا خیابان شهید جمالی ساختمان پارس طبقه دوم واحد ۱۵ دفتر طلاق ۷۷ شیراز مراجعه فرمایید. در صورت عدم مراجعه نسبت به ثبت طلاق غیابی اقدام خواهد شد.</p> <p>۲۰۲۸۴/م الف</p>
<p>مدیر دفتر طلاق ۷۷ شیراز</p> <p>دکتر حمزه اسفندیاری بیات</p>	

<p>آگهی اخطار به دفتر خانه رسمی ثبت از دواج و طلاق جهت اجرای حکم دادگاه</p> <p>بدينوسيله به ۱- منصور حسینی فرزند مرادحاصل ۲- علی حسين پور فرزند கடغالی ۳- عزیز صحرانورد فرزند علی آقا ۴- علی آقا صحرانورد فرزند علی بابا که به موجب دادنامه شماره ۹۴/۹۹۷۱۲۸۲۰۱۰۱۱ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه پرونده كلاسه ۹۴-۲۶۴ به پرداخت مبلغ ۶۸۳۷۵۳۰ ریاب بابت خسارات دادرسی و خسارت تاخیر دادرسی و مبلغ ۶۸۳۷۵۳۰ ریاب بابت خسارات دادرسی و خسارت تاخیر دادرسی که وفق قرارداد بین طرفین روزانه مبلغ ۲۶۶۶۸۴ ریال از تاريخ ۹۴/۳/۱۷ تا روز اجرا در حق بانک ملت محكوم گردیده‌اند ابلاغ می‌شود رای صادره غیابی و ظرف بيست روز از تاريخ ابلاغ قابل واخواهی در اين دادگاه و ظرف همین مدت قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان فارس می‌باشد لذا چنانچه نسبت به حكم صادره اعتراضی دارند ظرف مهلت مقرر اعتراض خود را کتبا به این دادگاه واقع در بلوار دانشجو اعلام و الا پس از انقضای مهلت مقرر دادگاه اقدام قانونی مهمول خواهد داشت.</p> <p>۶۶۵/م الف</p>	<p>آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی</p> <p>بدينوسيله به ۱- منصور حسینی فرزند مرادحاصل ۲- علی حسين پور فرزند கடغالی ۳- عزیز صحرانورد فرزند علی آقا ۴- علی آقا صحرانورد فرزند علی بابا که به موجب دادنامه شماره ۹۴/۹۹۷۱۲۸۲۰۰۵۵۵ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه پرونده كلاسه ۹۴-۲۶۴ به پرداخت مبلغ ۸۹۰۵۳۱۲۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۶۸۳۷۵۳۰ ریاب بابت خسارات دادرسی و خسارت تاخیر دادرسی که وفق قرارداد بین طرفین روزانه مبلغ ۵۳۸۰۰ ریال از تاريخ ۹۴/۳/۱۷ تا روز اجرا در حق بانک ملت محكوم گردیده‌اند ابلاغ می‌شود رای صادره غیابی و ظرف بيست روز از تاريخ ابلاغ قابل واخواهی در اين دادگاه و ظرف همین مدت قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان فارس می‌باشد لذا چنانچه نسبت به حكم صادره اعتراضی دارند ظرف مهلت مقرر اعتراض خود را کتبا به این دادگاه واقع در بلوار دانشجو اعلام و الا پس از انقضای مهلت مقرر دادگاه اقدام قانونی مهمول خواهد داشت.</p> <p>۶۶۵/م الف</p>
<p>مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی داراب</p> <p>نوراله اقبال</p>	

<p>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</p> <p>خواهان / شاکي عبدالمجيد محمودی دادخواستی به طرفیت خوانده/ مهتم امير ميرزایی و مجید کشاورز به خواسته مطالبه خسارت وارده و مطالبه خسارت تاخیر تادیه و مطالبه وجه تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان ارسنجان نموده که جهت رسیدگی به شعبه شورای حل اختلاف دهستان شوراب ارسنجان واقع در دهستان شوراب ارجاع و به كلاسه ۹۴/۹۹۸۸۸۴۸۶۰۰۰۰۲ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخ ۹۴/۹/۲۵ ساعت ۱۵ تعیین شده است. به علت مجبورال مکان بودن خوانده/ مهتم و درخواست خواهان/ شاکي و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده/ مهتم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضامن را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.</p> <p>۲/۴۶۴۹/م الف</p> <p>مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف دهستان شوراب ارسنجان</p> <p>ظاهره پارسانی</p>	<p>آگهی حصر ورثات</p> <p>صديقه صفربور فرزند فرح‌اله دارای شناسنامه شماره ۲ فسا نوبندگان به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴/۱۷۷۴ ح ش مرکزی از این شورا درخواست گواهی حصر ورثات نموده و چنین توضیح داده که شادردوان مرحوم مبلغ آرزادیان به شناسنامه شماره ۶۶۳۳۸-۲۵۶ فسا در تاریخ ۹۳/۱۰/۸ در اقامتگاه دائمی خود بدردود زندگی گفته ورثات حین‌الوقت آن مرحوم متصرف است. به ۱- صديقه صفربور فرزند فرح‌اله به شناسنامه شماره ۲ فسا نوبندگان (مادر متوفی) و لاغیر.</p> <p>اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.</p> <p>۶/۶۹۴/م الف</p>
<p>شورای حل اختلاف حوزه مرکزی فسا</p> <p>امور حصر ورثات</p> <p>خرم احسانی</p>	